

ظرفیت‌های اندیشه سیاسی اسلام در تولید قدرت نرم

راضیه زارعی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۶/۱۵

چکیده

این مقاله در پی پاسخ به این سؤال اصلی که آیا اندیشه سیاسی اسلام برای تولید قدرت نرم، ظرفیت راهبردی لازم را داراست، به پردازش مؤلفه‌های قدرت نرم می‌پردازد که عبارتند از: اعتماد، شبکه روابط و اعتبار. ادعای نوشتار حاضر این است که در رویکرد اخلاق سیاسی به اعتماد، «تقوی» یکی از ابزارهای بسیار قوی برای ایجاد کنترل درونی در انسان است. در رویکرد فقه سیاسی، تعدادی قواعد فقهی وجود دارند که موجب افزایش اعتماد سیاسی می‌شوند. قواعدی از قبیل: مساوات، احسان، تألیف قلوب، تعاون، وفای به عقود، عدالت، شورا و غیره. مؤلفه‌های شبکه‌های روابط قدرت نرم در اندیشه سیاسی اسلام عبارتند از: عوامل دوستی‌زا، اتحاد و یکپارچگی امت اسلامی. مؤلفه‌های ایجاد اعتبار نیز شامل مشروعیت سیاسی، مشارکت، پرهیز از توسل به زور و موارد دیگر است. بنابراین، اندیشه سیاسی اسلام در همه مؤلفه‌های قدرت نرم دارای ظرفیت است.

واژه‌های کلیدی:

اندیشه سیاسی اسلام، قدرت نرم، اعتماد، اعتبار، شبکه‌های ارتباطی.

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره نهم
- تابستان ۹۴

ظرفیت‌های اندیشه
سیاسی اسلام در
تولید قدرت نرم
(۴۱-۶۴)

مقدمه

مهم‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل، قدرت است. در هزاره سوم میلادی، آشکال نامحسوس قدرت اهمیت بیشتری پیدا کرد و قدرت‌مندی دیگر فقط در گرو منابع صرفاً مادی قدرت نبود، بلکه بیشتر توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر یا افراد دیگر، قدرت به حساب می‌آمد. این بُعد از قدرت، قدرت نرم خوانده می‌شود. قدرت نرم، اقتناع افکار عمومی است.

با تأسیس جمهوری اسلامی ایران، این نظام نوپا در برخورد با چالش‌های عظیم ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، همچون کودتاهای گوناگون، تحریم‌های اقتصادی، تجاوزات نظامی (عملیات طبس)، جنگ تحمیلی و... نه تنها تضعیف نشد، بلکه روز به روز بر ارتقای جایگاه جهانی آن افزوده شد. منابع این قدرت نه در افزایش توان‌مندی‌های سخت‌افزاری، بلکه در وجود قدرت نرم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، معنا و مفهوم جدیدی یافته‌است و از نظر تأثیرگذاری، جایگاه برتری نسبت به قدرت‌های سخت پیدا کرده است. (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

ایران دارای پتانسیل بالا در بهره‌گیری بیشتر از قدرت نرم است؛ قدرتی که به‌شدت بدان نیازمند است و از آنجا که پشتوانه نظری نظام سیاسی ایران مبتنی بر اندیشه اسلامی است، این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که آیا اندیشه اسلامی برای تولید قدرت نرم، ظرفیت راهبردی لازم را داراست؟

مفهوم اندیشه سیاسی اسلام

درباره مفهوم اندیشه سیاسی، نظریه‌های فراوانی مطرح شده است. «ریمون آرون» در تعریف اندیشه سیاسی گفته است: «اندیشه سیاسی عبارت است از کوشش برای تعیین اهدافی که به اندازه معقولی احتمال تحقق دارد و نیز تعیین ابزارهایی که در حد معقولی می‌توان انتظار داشت موجب دست‌یابی به آن اهداف بشود.» (بشیریه، ۱۳۷۶: ۱۶)

قادری، اندیشه سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «اندیشه سیاسی، مجموعه باورهای فلسفی است که به طور مستقیم به اداره امور جامعه مرتبط باشد.» (قادری، ۱۳۷۵: ۱۹۳) در تعریفی دیگر اندیشه سیاسی چنین تبیین می‌شود: «اندیشه سیاسی، تفکر منسجمی است که از درون مبنای معرفتی خاص به دنبال ارائه راه‌حل عقلانی برای بحران‌های سیاسی اجتماعی است.» (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۴) بر اساس این تعریف که مد نظر مقاله است، منظور از اندیشه سیاسی اسلام، توجه کردن هم‌زمان به نظریه و فعل سیاسی در اسلام است. دین اسلام به سه بخش

اعتقادات، اخلاقیات و فقه تقسیم می‌شود (خمینی، ۱۳۸۶: ۳۸۵) و اندیشه سیاسی اسلام اعم از این سه بخش است. لذا در این مقاله، اندیشه سیاسی اعم از کلام سیاسی و فقه سیاسی است.

مفهوم قدرت نرم

برای پرداختن به قدرت نرم، ابتدا باید مفهوم قدرت را تعریف کرد. برای قدرت، تعاریف متفاوتی ارائه شده است، که در اینجا به برجسته‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

از دیدگاه مارکس، قدرت عبارت است از «اعمال قهر متشکل یک طبقه برای سرکوب طبقه دیگر». (کارل مارکس و فریدریش انگلس، ۱۳۵۹: ۸۱) به عقیده وبر، «قدرت عبارت است از فرصتی که در چارچوب رابطه اجتماعی به وجود می‌آید و به فرد امکان می‌دهد تا - قطع نظر از مبنایی که فرصت مذکور بر آن استوار است - اراده‌اش را حتی علی‌رغم مقاومت دیگران بر آن‌ها تحمیل کند». (ماکس وبر، ۱۳۶۷: ۱۳۹) از دیدگاه وبر، «قدرت، مجال یک فرد یا تعدادی از افراد است برای اعمال اراده خود حتی در برابر مقاومت عناصر دیگری که در صحنه عمل شرکت دارند.» (ژولین فروند، ۱۳۶۲: ۲۳۲)

در اسلام، منبع اصلی هر قدرتی خداوند است. (بقره: آیه ۱۴۸) خداوند، این قدرت را به امانت در اختیار انسان گذاشته است. و از انسان خواسته از این قدرت در مسیر تحقق اهداف صحیح سیاسی و در مسیر کمال خود استفاده کند. از نظر قرآن، قدرت سیاسی باید عدالت و قسط را در جامعه حاکم کند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: آیه ۲۵) و همچنین باید منشأ اتحاد، همبستگی و برادری شود. «وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل‌عمران: آیه ۱۰۳) حمایت از دین و خداپرستی را به عنوان هدف مهم خود قرار دهد؛ لذا به دنبال اقامه نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر باشد. «وَلِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ، الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: آیه ۴۱)

قدرت از نظر ساختاری به دو بخش قدرت سخت و نرم تقسیم می‌گردد. قدرت سخت، قدرت آشکار و ملموس است؛ مانند نیروی نظامی و اقتصاد که ممکن است موجب تغییر موقعیت افراد شود. قدرت سخت مبتنی بر تشویق و تهدید است.

جوزف نای درباره قدرت نرم می‌گوید، قدرت نرم توجه ویژه به اشتغال ذهنی جوامع دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و زمانی یک کشور یا یک جامعه به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان بخشیدن به موضوعات مورد اختلاف به کار بندد و از اختلافات به گونه‌ای بهره‌برداری نماید که حاصل آن،

سیاست متعالیه

- سال سوم
 - شماره نهم
 - تابستان ۹۴
- ظرفیت‌های اندیشه
سیاسی اسلام در
تولید قدرت نرم
(۴۱-۶۴)

گرفتن امتیاز باشد. یکی از نمونه های قدرت نرم، کاربرد رسانه های جمعی در مناقشات است که می تواند جایگزین فشار نظامی گردد و ما دیگر شاهد اعمال زور و اجبار نیستیم، بلکه اقناع افکار عمومی از طریق جنگ رسانه ای صورت می گیرد. (josephs s.nye, 2004, vol.6, no 9.) لذا قدرت نرم نه زور است و نه پول، در قدرت نرم بر روی ذهنیت ها سرمایه گذاری می شود و اهمیت و توانمندی قدرت نرم بیشتر بستگی به منابع آن دارد.

ویژگی های قدرت نرم

قدرت نرم دارای ویژگی هایی است که آن را از قدرت سخت متمایز می کند:

۱. قدرت سخت دارای ساختاری هرمی و منطق «بالا به پایین» است؛ حال آنکه قدرت نرم در ساختاری کروی و با منطق «دیالکتیک متن - بازیگر» تولید می شود. در قدرت سخت، قدرت به آمریت تعبیر شده و سبب گسست بین عامل و موضوع قدرت می شود؛ اما قدرت نرم با عنصر اقناع تعریف شده و قدرت در فضای ارتباط متقابل پدید می آید؛ یعنی عامل و موضوع بر یکدیگر موثر می باشند. هر چند وجه مشترک قدرت نرم و سخت، متقاعد کردن رقیب است؛ منتهی به شیوه ای متفاوت. قدرت نرم، دیگران را به تبعیت از هنجارها و نهادهای مورد نظر، یا موافقت با آن ها قانع می کند. به تعبیر نای، قدرت نرم، یعنی توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جاذبه و جلب دیگران. (نای، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

۲. قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت هاست، بر نوعی از ذهنیت استوار است. در واقع، اطاعت از دارندگان قدرت نرم بر اساس باورها و اعتقادات انجام می شود. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۲)

۳. قدرت نرم، امری غیر محسوس است. این ویژگی با تقسیم بندی قدرت به شیوه سنتی متفاوت است. (عالم، ۱۳۷۳: ۹۱) ملموس و یا غیر ملموس بودن قدرت در شیوه سنتی بیشتر معطوف به کارکرد منابع قدرت بود. اما از آنجا که قدرت نرم بر ذهنیت متکی است، با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، آرمان و یا ارزش های اخلاقی به صورت غیر مستقیم بر منابع یا رفتار دیگر کشورها اثر می گذارد. بنابراین، ویژگی غیر محسوس بودن آن به لحاظ ماهیت قدرت نرم است. قدرت نرم متکی بر فرهنگ و ایدئولوژی است. تلاش در راستای تولید، تأمین و اقناع ارزش ها، هنجارها، ایستارها و طرز تلقی های مشترک، موجب کسب قدرت نرم می شود.

۴. قدرت نرم، فراگیر است و قابلیت توسعه و هم‌افزایی دارد. همراه با جریان فزاینده انقلاب اطلاعات و توسعه فرهنگ اینترنتی، به ورای محدودیت‌های مرزهای جغرافیایی، قومیت ملی و زبانی راه پیدا می‌کند.

۵. قدرت نرم، ماهیت پویا و تحول‌پذیری دارد. به تعبیر نای، منابع قدرت همواره ثابت نبوده و همیشه با تحول بسترها، آن‌ها نیز تغییر می‌یابند. شکل‌گیری و اثرگذاری قدرت نرم به زمان نیاز دارد. (نای، ۱۳۸۳)

۶. قدرت نرم بر سرمایه اجتماعی بازیگر استوار است. (افتخاری، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۹-۱۸)

مؤلفه‌های قدرت نرم

اعتماد

اعتماد که جان‌مایه سرمایه اجتماعی است، از جمله ارکان قدرت به شمار می‌رود. اعتماد اجتماعی بر انتظارات، تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعیشان دارند. صداقت، عدالت، انصاف، وفای به عهد، اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به حکومت، و... وجوه اعتماد اجتماعی‌اند. (غفاری، ۱۳۸۰: ۲۹۹)

اعتماد، سنجش میزان آمادگی برای ایجاد روابط در مواردی است که نظارت، توجیه‌پذیر نیست یا هزینه‌های سنگینی دارد. و بی‌اعتمادی به معنای خطرناک دانستن برقراری ارتباط با دیگران است که در ذهنیت و رفتار افراد جلوه‌گر است. اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. بنابراین، اعتماد اجتماعی به این معناست که دیگران کاری را انجام می‌دهند که به رفاه من کمک می‌کند و یا کاری را به این دلیل انجام نمی‌دهند تا به من آسیب نرسد. دلیل اینکه مردم به اعتماددورزی تن می‌دهند، این است که خطرگریزی و بی‌اعتمادی افراطی، گزینه‌های مطلوب را از دسترس مردم دور می‌کند. (افه در تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۲۱۱)

وجود شبکه‌های روابط

شبکه‌های ارتباطی از جمله مؤلفه‌های مهم قدرت نرم است. در ارتباط متقابل میان انسان‌ها شبکه‌ای به وجود می‌آید که حامل قدرت نرم است. این شبکه، حالت تارهای نامرئی میان انسان‌ها را بازی می‌کند. افراد از طریق ایجاد شبکه‌های روابط با یکدیگر، به راحتی بسیاری از کارهایی را انجام می‌دهند که به تنهایی قدرت انجام آن‌ها را ندارند و یا به دشواری انجام می‌دهند. شبکه‌های روابط، مردم را به همکاری و اعتمادپذیری در برخوردایشان تشویق می‌کنند. (پاتنام در تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۲۱) در درون شبکه‌های روابط،

ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی میان اعضا بسط پیدا می‌کند. شبکه‌های روابط، مشارکت مدنی، همکاری و ارتباط را تسهیل می‌کنند و اطلاعات موجود درباره اعتمادپذیری افراد دیگر را تقویت می‌کنند. وقتی معاملات اقتصادی و سیاسی در شبکه‌های متراکم تعامل اجتماعی صورت می‌پذیرد، انگیزه فرصت‌طلبی و قانون‌شکنی کاهش می‌یابد. (همان: ۹۸)

اعتبار

ضلع دیگر قدرت نرم، اعتبار است. اعتبار و پرستیژ همواره مد نظر قدرت‌ها بوده‌اند. و لذا اندیشمندان روابط بین الملل، آن را به منزله یک منبع مستقل قدرت به شمار می‌آورند. (نای، ۱۳۸۳: ۱۲)

اعتبار به مثابه منبع اصلی در تعیین ظرفیت بازیگران اجتماعی، زمینه اجرای تصمیمات و تعهدات را فراهم می‌سازد. اعتقاد افراد به هنجارهایی واحد، سبب ایجاد وفاداری خواهد شد. ایمان به تأثیرگذاری، سبب افزایش آن می‌شود. بررسی‌های فرهنگی - اجتماعی، حکایت از متأثر بودن پدیده‌ها از باورهای مخاطبان دارد. (افتخاری، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۹-۱۸)

ظرفیت اندیشه سیاسی اسلام در تولید اعتماد

اعتماد، مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم محسوب می‌گردد. اعتماد موجب می‌شود روابط میان افراد به اندازه کافی عمیق باشد تا سرمایه اجتماعی مطلوب تولید گردد. و از آنجا که سرمایه اجتماعی، عاملی مهم در تولید قدرت نرم است، اعتماد اجتماعی و قدرت نرم را نیز نمی‌توان از هم جدا کرد.

اندیشه سیاسی اسلام از دو رویکرد اخلاق سیاسی و فقه سیاسی دارای ظرفیت‌هایی برای تولید اعتماد است. در رویکرد اخلاق سیاسی به اعتماد، «تقویت کنترل‌کننده‌های درونی»، مهم‌ترین عامل در ایجاد اعتماد محسوب می‌شود. «تقوی» یکی از ابزارهای بسیار قوی برای ایجاد کنترل درونی در انسان است. تقوی این توانایی را دارد که فرد را از انجام گناه فردی و اجتماعی باز دارد و به این وسیله، قابلیت اعتماد را افزایش دهد. فراگیر شدن تقوی در جامعه، باعث می‌شود که احتمال ارتکاب عمدی گناه و اشتباه کاهش یابد و به این وسیله، اعتماد در جامعه تولید شود. فرد باتقوی نزد خداوند و میان مردم جامعه دارای اعتبار است. این اعتبار از اعتمادی که مردم به او دارند، نشأت می‌گیرد. البته تقوا درجاتی دارد. «تقوی پیشه کرده و ایمان آورند و عمل صالح کنند، آن‌گاه تقوی پیشه کرده و ایمان آورند، سپس تقوی پیشه کرده و نیکویی کنند و خداوند دوست می‌دارد نیکوکاران را» (مانده، آیه: ۹۳)

در این آیه، سه بار کلمه تقوی ذکر شده است که به بیان علامه طباطبایی «هر یک از این سه تقوی اشاره به مرحله‌ای از احساس مسئولیت و تقوی است. در مرحله ابتدایی، انسان از تقوایی فطری برخوردار است که از آن با عنوان «احساس مسئولیت درونی» یاد می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۷۸) این تقوی باعث می‌شود کسانی که حتی با وحی آشنایی ندارند، مانند فرد با تقوی عمل کنند. «احساس مسئولیت درونی»، این افراد را به انجام کارهای نیک سوق می‌دهد. مرحله بعدی تقوی، خاص مؤمنین به اسلام است. تقوایی که در این مرحله کسب می‌گردد، «در درون جان انسان نفوذ می‌کند و اثر آن عمیق‌تر می‌گردد و نتیجه آن، ایمان مستقر و ثابتی است که عمل صالح، جزء آن است. (همان) تقوایی که در مرحله عالی نصیب فرد می‌شود، علاوه بر اینکه او را به انجام واجبات دعوت می‌کند، باعث می‌شود فرد با تقوی به انجام کارهای نیکی که حتی بر او واجب نیست، اقدام نماید. (همان) کسانی که «گرایش‌ها و رفتارهای» خود را مطابق شیوه زندگی تقوی اصلاح نمایند، دارای نشانه‌ها و صفاتی می‌شوند که در آیه‌ای از قرآن به صورت جامع بیان شده است: «نیکوکاری، آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال به مستحق دهد، و نیز نیکوکار آنانند که با هر که عهد بسته‌اند، به عهد خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار، صبور و شکیبا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند) آن‌ها به حقیقت، راستگویان و آن‌ها به حقیقت پرهیزکارانند. (بقره: آیه ۱۷۷)

بر اساس این آیه، نشانه و صفات افراد با تقوی عبارت است از:

الف) ایمان به خدا، روز رستاخیز، فرشتگان، کتاب آسمانی و پیامبران.

ب) خواندن نماز و پرداخت زکات.

ج) انفاق اموال مورد علاقه خود به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، واماندگان در راه، سائلان و بردگان.

د) وفا کردن به عهد.

در این آیه شریفه، پیوند عجیبی میان اعتماد و تقوی مشاهده می‌شود. اگر کسی این صفات را داشته باشد، از نظر قرآن، فرد «متقی» خوانده می‌شود و اگر در صفات ذکر شده دقت شود، مشاهده می‌گردد که فردی قابل اعتمادتر از صاحب این صفات، نمی‌توان یافت. حتی اگر هیچ قانون و حقوقی در جامعه وجود نداشته باشد، اعتقادات و اصول رفتاری او به قدری شفاف و مستحکم است که هرگز احتمال نمی‌رود به اعتماد کسی خیانت نماید. لذا

تقوی یک راه حل اساسی و دائمی برای حل مشکل بی اعتمادی در جامعه است و باید در دستور کار سیاستمداران قرار گیرد.

«تقوی» یک روش عام است که بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. یکی از این جنبه‌ها، بُعد سیاسی زندگی افراد است که «تقوی سیاسی» در آن فعال است. تقوی سیاسی باعث می‌شود که کنترل‌کننده‌های درونی در فرد تقویت شود و او را نسبت به آفات «قدرت سیاسی» مصون سازد. تقوی سیاسی، به صاحب‌منصبان و کارگزاران دولت اختصاص ندارد؛ اگر چه این افراد بیشتر به تقوی سیاسی نیاز دارند. عموم امت جامعه، می‌توانند از تقوی سیاسی بهره‌مند شوند و اشتباهات سیاسی خود را کاهش دهند. تقوی سیاسی با نهادهای سیاسی اسلام، رابطه ارگانیک دارد. اسلام ضمن اینکه بر جایگاه و اهمیت نهادهای سیاسی تأکید می‌کند، از امت انتظار دارد که تقوی سیاسی را در خود تقویت نمایند تا به این وسیله، کارآمدی و تولید اعتماد سیاسی پیشینه شود. تقوی سیاسی با اعتماد سیاسی رابطه مستقیم دارد.

در رویکرد فقه سیاسی، برخی از قواعد فقهی وجود دارند که موجب افزایش اعتماد سیاسی می‌شوند. قواعدی مانند: مساوات، احسان، تألیف قلوب، تعاون، وفای به عقود، عدالت و شورا.

الف - قاعده مساوات (عدم تبعیض)

مفاد قاعده

مساوات یعنی برابری و عدم تبعیض بین افرادی که در شرایط و استحقاق‌های یکسان قرار دارند. لذا مقصود از مساوات آن نیست که همه انسان‌ها با یکدیگر تشابه تام و کامل داشته باشند و یا عین یکدیگر باشند. (جعفری، ۱۳۸۵: ۴۷۸)

دلایل و مستندات

آیات

آیه شریفه «ای مردم، به درستی که ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت (گروه گروه) و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید، در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. خداوند دانای آگاه است.»^(۱) (حجرات: آیه ۱۳)

علامه محمد حسین طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: همه انسان‌ها از یک زن و مرد خلق شده‌اند و هیچ چیزی جز تقوی سبب برتری فردی بر فرد دیگر نیست. بنابراین، نسب، قومیت، نژاد، رنگ و... سبب برتری نمی‌شود.^(۲) (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۸، ۳۲۶)

روایات

به حضرت علی(ع) خبر دادند که یکی از والیانش غنایم را بین خویشان خود تقسیم کرده و به دیگران چیزی نداده است. حضرت به وی چنین نوشتند: ...أَلَا وَانَّ حَقَّ مَنْ قَبْلَكَ وَ قَبْلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمَةِ هَذَا الْفَيْ سِوَاءِ؛ آگاه باش به درستی که مسلمانانی که نزد تو و ما به سر می‌برند، حق‌شان از این غنیمت یکسان است. (نهج نامه ۴۳)

سیره معصومین

درخواست پیامبر در واپسین روزهای عمر خود از مسلمانان مبنی بر اینکه اگر به کسی آزار رسانده، حاضر است مجازات شود و ادعای فردی مبنی بر تازیانه خوردن از پیامبر به طور ناخودآگاه و درخواست قصاص از وی، نشان‌دهنده این است که پیامبر با اینکه رهبر جامعه اسلامی بود، هیچ مزیتی در حقوق اجتماعی و اموال عامه برای خود قائل نبوده، و خود را با بقیه یکسان می‌پنداشت. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۱۶۴) این مسئله در سیره اهل بیت(ع) هم مشاهده می‌شود.

عقل نیز که یکی از منابع فقهی است، تبعیض را نکوهش می‌کند و آن را نمی‌پسندد. اصل مساوات در ایجاد اعتماد مردم به حکومت و ایجاد سرمایه اجتماعی، نقش قابل توجهی دارد. با برقراری این اصل، مردم حتی با شرایط اقتصادی نامطلوب نیز خود را سازگار می‌کنند و با اعتماد و اطمینان به تعامل با حکومت می‌پردازند. اما اگر مردم احساس تبعیض کنند، اعتماد به نفس خود را از دست داده و مدام خود را با دیگران مقایسه می‌کنند که نتیجه آن احساس یأس و ناامیدی است. در چنین شرایطی حتی اگر وضعیت اقتصادی مطلوب هم باشد، چون مردم خود را با کسانی مقایسه می‌کنند که وضعیت مطلوب‌تری دارند؛ در حالی که از نظر استحقاق با آن‌ها برابرند، نسبت به وضعیت موجود ناراضی‌اند. که این مسئله فقط شامل اقتصاد نیست، بلکه مربوط به همه امور (تساوی سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و...) است.

ب- قاعده عدالت

عدالت به معنای رعایت حقوق افراد و عطا کردن حقی به هر ذی حق است. (مطهری،

۱۴۰۳: ۱۵-۱۴)

دلایل و مستندات

آیات

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» (نحل: آیه ۹۰)

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره نهم
- تابستان ۹۴

ظرفیت‌های اندیشه

سیاسی اسلام در
تولید قدرت نرم
(۴۱-۶۴)

«وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: آیه ۵۸)
آیات فوق، نشان‌دهنده این نکته است که یکی از مرزهای کلی قانون‌گذاری و اجرای قانون، مبنا قرار دادن عدالت است.

روایات

پیامبر فرمودند: حاکمیت امام عادل برتر از هفتاد سال عبادت است. (۳) (عاملی، ۱۳۸۹ ق:

۳۰۸)

عقل

حکم عقل را نیز می‌توان به عنوان یکی از مستندات قاعده عدالت برشمرد. اصولی‌های شیعه و معتزلی که به حسن و قبح عقلی معتقد بوده‌اند، بارزترین مصداق حسن و قبح را عدل و ظلم بر می‌شمردند. و ادراک حکم عقل را در این زمینه، امری استقلالی دانسته، می‌گفتند: عقل فارغ از حکم شرع به حسن عدالت و قبح ظلم حکم می‌کند. (شریعتی، ۱۳۸۷)

اجماع

استفاده فقها از قاعده عدالت و استناد به آن در مباحث متعدد فقه علاوه بر بحث از لزوم وجود این صفت در حاکم، قاضی، شاهد، امام جماعت و... که در فتاوی فقها مشاهده می‌شود، بر این امر دلالت دارد که می‌توان از عدالت به عنوان قاعده‌ای عام استفاده کرد. (همان)

همان تأثیری که اجرای اصل مساوات در ایجاد اعتماد سیاسی دارد، اصل عدالت نیز دارد.

ج- قاعده وفای به عقود

قاعده وفای به عقود، یکی از قواعد فقه اسلامی است. معنای آن لزوم اجرای مفاد قراردادهایی است که بسته می‌شود. از نظر فقها اصل در قراردادها لازم بودن اجرای آن است، لذا اگر تردیدی در لزوم یا جواز قراردادی ایجاد شود، اصل بر لزوم آن است.

ادله و مستندات

آیات

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید. (مائده: آیه ۱)

وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ. (مؤمنون: آیه ۸ / معارج، آیه ۳۲) مؤمنان آن‌ها هستند که امانت‌ها و عهد خود را مراعات می‌کنند.

روایات

رسول گرامی اسلام(ص) فرموده است: من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیف اذا وعد. (کافی، ۱۳۶۸، ج ۲، ۳۶۴، حدیث ۲) آن کس که به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید به وعده خود وفا کند. و حضرت علی(ع) هم می‌فرماید: ان الوفاء بالعهد من علامات اهل الدین. (قعی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۶۷۵) وفای به عهد از نشانه‌های مردم متدین است.

بنای عقلا

قاعده وفای به عقود، قاعده‌ای امضایی است؛ بدین معنا که قبل از اسلام نیز وجود داشته؛ زیرا بنای عقلا بر بار کردن آثار معاملات بر آن‌ها بوده است و هدف اصلی از انعقاد معاملات نیز همین امر است. بنابراین باید گفت که مهم‌ترین دلیل بر اثبات این قاعده، بنای عقلا می‌باشد. بنای عقلا و عرف اعم از متدینان و غیر آن‌ها بر لزوم قرارداد و اجرای مفاد آن بوده است. (شریعتی، ۱۳۸۷)

وفای به عهد، پایدارکننده اعتماد در روابط انسان‌هاست. روابط انسان‌ها وابسته به پیمان‌ها و قراردادهایی است که بین آن‌ها بسته می‌شود. اگر این اصل مورد بی‌توجهی قرار بگیرد، روابط انسان‌ها شدیداً مختل می‌شود و اعتماد کاملاً از بین می‌رود.

ح- قاعده تعاون

این قاعده بر لزوم تعاون و همکاری مسلمین با یکدیگر برای انجام کارهای خیر تأکید می‌کند. این قاعده بیشتر در ایجاد شبکه‌های ارتباطی نقش دارد. اما از آنجا که بین شبکه‌های ارتباطی و ایجاد اعتماد ارتباط مستقیمی وجود دارد، از این قاعده می‌توان برای ایجاد اعتماد سیاسی استفاده کرد.

دلایل و مستندات

آیات

آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا ... و تعاونوا علی البرّ و التقوی»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید... و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید. (مائده: آیه ۲)

روایات

از حضرت علی(ع) روایت شده که پیامبر فرمود: «رحم الله ولدأ اعان والدیه علی برّه و رحم والدأ اعان ولده علی برّه و رحم الله جارأ اعان جاره علی برّه...؛ خدا رحمت کند فرزندی که در عمل نیک پدر و مادر به آن‌ها کمک کند، رحمت کند پدری را که در

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره نهم
- تابستان ۹۴

ظرفیت‌های اندیشه

سیاسی اسلام در
تولید قدرت نرم
(۴۱-۶۴)

عمل نیک فرزند به وی کمک کند و رحمت کند همسایه‌ای را که همسایه خود را در عمل نیک یاری دهد.» (عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ۵۹۲)

قاعده تعاون در فقه سیاسی، تأکید بر همکاری در انجام کارهای خیر دارد و هر مشارکتی را در بر نمی‌گیرد. اصل تعاون در مقابل روحیه فردگرایی است. این اصل نقش قابل توجهی در ایجاد روحیه دگرخواهی دارد. مطابق این اصل، فرد خود را وقف خدمت به دیگران می‌کند. واضح است که همکاری افراد جامعه در کار خیر و خدمت به دیگران، تأثیر مهمی در حل ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد سلامت روانی جامعه دارد. چون افراد جامعه به حال خود رها نمی‌شوند. و این باعث رواج اعتماد مردم به یکدیگر می‌شود. و این اعتماد هم در اعتماد مردم به حکومت تأثیر دارد و هم در اعتماد حکومت به مردم.

خ- قاعده تألیف قلوب

بر اساس این قاعده، اسلام از حاکمان می‌خواهد در پی کسب قلوب مردم و حتی دشمنانشان باشند. این قاعده باعث جذب حداکثری می‌شود.

ادله و مستندات

آیات

آیه شریف «أَنَّما الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ همانا صدقات برای تهی‌دستان و بینوایان و متصدیان و کسانی که دل‌شان به دست آورده می‌شود و در (آزادی) بردگان و وام‌داران و در راه خدا و در راه مانده می‌باشند، است. این به عنوان واجبی از سوی خدا می‌باشد و خدا دانای حکیم است. (توبه: آیه ۶۰)

روایات

روایاتی هستند که نشان‌دهنده تألیف قلوب در سیره پیامبرند؛ مانند این حدیث که پیامبر، غنایم جنگ حنین را بالسویه تقسیم نکردند، بلکه به برخی از سران قریش مانند ابوسفیان و عینیه که در فتح مکه ایمان آورده بودند غنایم بیشتری دادند و در ضمن خطبه‌ای در پاسخ به معترضان فرمود: آیا راضی نیستید که آنان شتر و گوسفند ببرند و شما پیامبر خدا را همراه خود ببرید، من مختصر مالی به قریش دادم که در اسلام استوار گردند. به خدا سوگند، اگر همه مردم به راهی روند و انصار به راه دیگری، من راه انصار را انتخاب می‌کنم. (سیحانی، ۱۳۷۰، ۳۷۰)

با اجرای قاعده تألیف قلوب، حاکمان می‌توانند دیدگاه عموم مردم را نسبت به خود جلب کنند. این رفتار درست موجب تبلور اثبات صداقت حاکمان در ذهن مردم و تقویت

اعتماد آنان نسبت به حاکمان می‌شود. البته این قاعده در بین خود مردم نیز با ایجاد خوش‌رویی و مهربانی، حس همبستگی و اعتماد را بیشتر می‌کند.

د- قاعده احسان

این قاعده به معنای نیکی کردن به مردم است. اسلام از همه مسلمانان می‌خواهد نسبت به یکدیگر احسان کنند. خصوصاً این احسان باید شامل حال ناتوانان، بیماران و ضعیفان باشد. از آنجا که حاکمان برای احسان کردن توانایی بیشتری دارند، مسئولیتشان هم سنگین‌تر است.

دلایل و مستندات

آیات

«بر ناتوانان و بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند تا خرج کنند در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند، هیچ گناهی نیست و بر نیکوکاران ایرادی نیست و خدا آمرزنده مهربان است.» (توبه: آیه ۹۱)^(۴)

روایات

در روایات به طور مکرر نسبت به کمک به مردم تأکید شده است. امام صادق(ع) از نبی مکرم اسلام(ص) نقل می‌فرماید: «کسی که مؤمنی را یاری کند، خداوند هفتاد و سه مشکل از مشکلات او را حل می‌کند، یک مشکل در دنیا و هفتاد و دو مشکل در آخرت در هنگام بلیه عظمی.» (کافی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۲۰۰) در تلاش برای رفع نیازمندی‌های مردم، از امام کاظم(ع) روایت شده است: خداوند در روی زمین، بندگانی دارد که برای رفع نیازمندی‌های مردم می‌کوشند. اینان در روز قیامت (از سختی‌ها و بلاها) در امان‌اند. کسی که مؤمنی را شاد کند، خداوند روز قیامت، دل او را شاد می‌کند. (همان: ۱۹۳)

این قاعده نیز با نیکی کردن به مردم، فضای محبت و دوستی را در جامعه اسلامی ایجاد می‌کند. این فضا باعث ایجاد اعتماد است.

ظرفیت اندیشه سیاسی اسلام در ایجاد شبکه‌های ارتباطی

شبکه ارتباطی در اندیشه اسلامی، ابتدا در درون خانواده شکل می‌گیرد، سپس به رابطه مؤمنین با یکدیگر می‌پردازد و در نهایت به رابطه مؤمنین با امام. اما ارتباط میان افراد، در اسلام وسیله‌ای محسوب می‌شود که در جهت هدف عالی‌تر به کار گرفته می‌شود. از این رو، برخی دستورات فقه شیعه در راستای گسترش رابطه نیست و بلکه موجب محدودیت

سیاست متعالیه

- سال سوم
 - شماره نهم
 - تابستان ۹۴
- ظرفیت‌های اندیشه
سیاسی اسلام در
تولید قدرت نرم
(۴۱-۶۴)

روابط می‌شود. دو قاعده نفی سبیل و تولی و تبری،^(۸) از گسترش ارتباطات مسلمانان با کفار جلوگیری می‌کند، اما میان خود مسلمانان موجب محکم‌تر شدن ارتباطات می‌شود. اسلام اکیداً توصیه می‌کند که میان مسلمانان پیوندهای قوی برقرار باشد. بسیاری از آداب و مناسک مسلمانان فقط به صورت جمعی قابل قبول است و یا اینکه اجرای آن به صورت فردی مطلوبیت کمتری دارد. پیوند میان مسلمانان به صورت تمثیل ریسمان بیان شده: «اعتصام به حبل الله» همه مسلمانان با یک رشته به یکدیگر پیوند داده شده‌اند و آن رشته، پرستش خداوند می‌باشد. عام بودن خداپرستی نسبت به نژاد و ملیت و زبان به این معناست که دایره اعتماد در جامعه اسلامی می‌تواند گسترده‌تر از جوامع دیگر باشد. یک مسلمان به هر کس که خدا را می‌پرستد، اعتماد دارد؛ هر چند که با او هم‌نژاد و هم‌زبان نباشد.

یکی از ویژگی‌های سرمایه اجتماعی، تقویت پیوند میان اعضای گروه و طرد غیر عضوهاست. این قانون در سرمایه اجتماعی اسلامی نیز حاکم است. کفار حربی، یعنی کسانی که نسبت به مسلمانان دشمنی می‌ورزند، به طور کلی نمی‌توانند از سرمایه اجتماعی جامعه اسلامی استفاده کنند. قرآن صریحاً دستور داده از دوستی با این افراد خودداری شود. در کنار این دسته از کفار، برخی دیگر از غیر مسلمانان هستند که عناد و دشمنی با مسلمانان ندارند. این دسته از کفار هم نمی‌توانند هم‌راز مسلمانان باشند، اما تا حدودی در دایره اعتماد مسلمانان هستند. به طوری که شهادت آنان مورد قبول است و در صورتی که تهی دست باشند از صدقات و زکات مسلمانان بهره‌مند می‌گردند. قرآن از این افراد با عنوان «خدا ترسان اهل کتاب» یاد کرده است. (مائده: ۸۲)

بنابراین می‌توان گفت شبکه ارتباطی در جامعه اسلامی شامل سه حلقه می‌شود: در حلقه درونی، کلیه مسلمانان از هر مذهب و گروهی جای می‌گیرند. این افراد هرگز نباید علیه یکدیگر دشمنی بورزند و باید به احوال یکدیگر رسیدگی کنند. اعتماد کامل در درون این دایره وجود دارد.

در حاشیه این دایره، حلقه دوم شبکه ارتباطی وجود دارد. که ارتباط میان مسلمانان و غیر مسلمانان را برقرار می‌سازد. این افراد نیز تا محدوده مشخصی مورد اعتماد قرار می‌گیرند و ارتباط با آن‌ها مرز مشخصی دارد.

در خارج از این حلقه، کفار حربی قرار دارند که مسلمانان، حق برقراری هیچ گونه ارتباطی با آن‌ها را ندارند و نباید آن‌ها را مورد اعتماد بدانند. این بی‌اعتمادی تا زمانی است که این افراد، ارتباط مثبت با مسلمانان را بپذیرند.

آنچه در تولید قدرت نرم اهمیت دارد، رابطه درون خانواده و وجود ارتباط متقابل میان اعضای جامعه اسلامی است.

رابطه در خانواده

رابطه درون خانواده در اسلام اهمیت زیادی برای تولید قدرت نرم دارد.^(۶) در اسلام از راهکارهای مختلفی برای تقویت این نهاد استفاده شده است. خانواده، رابطه میان افرادی را شامل می‌شود که از لحاظ خونی با یکدیگر پیوند دارند. خانواده به لحاظ اینکه پیوندها در آن مبتنی بر غریزه رخ می‌دهد، استحکام زیادی دارد و می‌تواند گروه کوچک، اما منسجمی را ایجاد کند. این گروه کوچک با حمایت جامعه اسلامی از ابزارهای تولید قدرت نرم است. در اسلام، انفاق ابتدا در مورد خانواده صورت می‌گیرد: «از تو سؤال می‌کنند چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد و ...» (بقره: آیه ۲۱۵)

حتی در برابر پدر و مادر کافر و بت‌پرست هم فرد موظف به احترام و نیکی است: (اگر آنها به تو اصرار دارند که چیزی را که شریک خدا نمی‌دانی، برای او شریک قرار دهی، هرگز از آنها اطاعت مکن، ولی در زندگی دنیا با آنها به نیکی رفتار کن.) (لقمان: آیه ۱۵) نکته‌ای که در این آیه به آن باید توجه کرد این است که روابط درون خانواده هر چند قوی و محکم باشد، نباید رابطه فرد با خدا و ولایت را تحت تأثیر قرار دهد.

رابطه در جامعه اسلامی

اعضای جامعه اسلامی، رابطه نزدیکی با یکدیگر دارند و از نظر سازمانی، همه در یک رده قرار دارند. در واقع، هیچ سلسله مراتبی در این سازمان وجود ندارد و هیچ یک برتر از دیگری نیست. به همین دلیل یک فرد مؤمن ثروت‌مند و بانفوذ، خود را نسبت به برادر مؤمن فقیرش موظف می‌داند. یاری برادران مؤمن، وظیفه هر فرد مسلمان است و اسلام، کسی را که یک شب در فکر یاری برادر مسلمان خود نباشد، مسلمان نمی‌داند. برادران ایمانی، فقط از خدا و امام فرمانبرداری دارند. سرمایه اجتماعی در بین آنها در قرآن کریم این گونه توصیف شده است: «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم» برابر کفار شدید هستند و میان خود مهربانند. سرمایه اجتماعی و رابطه میان آنها موجب می‌شود که دشمنان را از میان خود طرد کنند، اما با یکدیگر رابطه قوی داشته باشند. به این دلیل، اخوت خط عرضی نامیده شده است که افراد در آن برابر هستند و هیچ برتری و مزیتی بر یکدیگر ندارند. به علاوه همه این افراد، به وسیله خط طولی (امام) به یکدیگر متصل می‌گردند. شیرازه این

سیاست متعالیه

- سال سوم
 - شماره نهم
 - تابستان ۹۴
- ظرفیت‌های اندیشه
سیاسی اسلام در
تولید قدرت نرم
(۴۱-۶۴)

سازمان در وجود امام نهفته است و اوست که موجب پیوستگی برادران ایمانی را فراهم می‌آورد.

در فقه اسلام، حقوق برادران ایمانی مانند خیرخواهی، عیادت از مریض، قرض‌الحسنه، امر به معروف و نهی از منکر، یاری ستم‌دیدگان، احترام و... لازم الاجرا هستند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۲۹۰۱) در روایات به طور مکرر نسبت به کمک به مردم تأکید شده است. امام صادق(ع) از نبی مکرم اسلام(ص) نقل می‌فرماید: «کسی که مؤمنی را یاری کند، خداوند هفتاد و سه مشکل از مشکلات او را حل می‌کند، یک مشکل در دنیا و هفتاد و دو مشکل در آخرت در هنگام بلیه عظمی.» (اصول کافی، ۱۳۶۸: ج ۲، ۲۰۰)

رابطه میان مؤمنین با رهبر از طریق نصیحت به امام «نصیحه لائمه المؤمنین» برقرار می‌گردد. مؤمنین وظیفه دارند در مواقع حساس، امام خود را نصیحت نمایند و او را به راه راست هدایت نمایند. امام نیز در این گونه موارد باید مشورت و خیرخواهی آن‌ها را بپذیرد. این قاعده موجب می‌شود که رابطه اخوت با ولایت قطع نباشد و ارتباط میان این دو نهاد، مانع از شکل‌گیری شکاف میان رهبر و امت گردد. از طرف دیگر، قاعده امر به معروف و نهی از منکر، موجب می‌گردد که مؤمنین با یکدیگر رابطه داشته و این ارتباط، مانع از شکل‌گیری از خودی‌گانی در جامعه اسلامی گردد. این قاعده، از عناصر بسیار مهم مذهب اسلام است و خداوند به دلیل وجود امر به معروف و نهی از منکر، امت اسلامی را بهترین ملت‌ها معرفی نموده‌اند.

ظرفیت اندیشه سیاسی اسلام در تولید اعتبار

برای ایجاد اعتبار، مؤلفه‌های مختلفی وجود دارد. از جمله مشروعیت سیاسی که برای آن نظام ایجاد اعتبار می‌کند. همچنین صلح‌طلبی و پرهیز از توسل به زور در روابط بین‌الملل، مشارکت سیاسی بالا در داخل کشور، همه از عوامل تأثیرگذار بر افزایش اعتبار یک نظام سیاسی است. اندیشه سیاسی اسلام، برای موارد مذکور ظرفیت‌های خاص خودش را دارد که به آن پرداخته می‌شود.

مشروعیت سیاسی

مشروعیت به منزله یکی از مؤلفه‌های مهم در ایجاد قدرت نرم است. مشروعیت باعث ایجاد اعتبار برای یک کشور می‌شود. در چارچوب روابط بین‌الملل، تحقق مشروعیت را منوط به تحقق مفهوم پیروی داوطلبانه دانسته‌اند. به این معنا که اگر یک دولت، یا یک نظام قانونی، بتواند حکومت (قانون‌گذار) و مردم را به پیروی داوطلبانه وادارد، این دولت مشروع تلقی می‌گردد. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۶۱). اندیشه سیاسی اسلام، مشروعیت سیاسی را از آن

امام معصوم می‌داند و در زمان غیبت، فقهای جامع شرایط دارای چنین مشروعیتی هستند. از این امر به ولایت تعبیر شده است. ولایت به معنای رابطه میان رهبر و پیروان است که رهبری او را پذیرفته‌اند. ولایت در اسلام، امری قلبی است که با اعتقادات افراد سروکار دارد. در این اندیشه، کسی که ولایت خدا را نپذیرد، تحت ولایت شیطان در خواهد آمد و رهبری آن را می‌پذیرد. (سوره بقره: آیه ۲۵۶) به همین دلیل، پذیرش ولایت کسی که خدا امر به اطاعت از او کرده، بر هر مسلمانی واجب است. بنابر اعتقادات تشیع، ولایت از هر امر دیگر در اسلام اهمیت بیشتری دارد. علت این است که رهبر و امام، رابطه‌ای خاص و ویژه با پیروان خود برقرار می‌سازد که از هر رابطه دیگری قوی‌تر است. او می‌تواند از این رابطه برای هدایت و یا گمراهی مردم استفاده کند. در واقع، امام، سرمایه بسیار عظیمی در اختیار دارد و به وسیله آن قادر به انجام کارهای بسیار بزرگ است. البته این رابطه دو طرفه است و حقوق متقابلی میان امام و امت وجود دارد.

در غیاب امام معصوم، ولی فقیه سرمایه اجتماعی جامعه اسلامی است. در زمان غیبت، فقهای واجد شرایط، به نصب عام، برای ولایت منصوب شده‌اند و هر فقیه واجد شرایط می‌تواند تصدی امور حکومت اسلامی را بر عهده بگیرد. بر مردم نیز واجب است که از وی اطاعت کنند، حتی آن‌ها که مقلد او نیستند. بر این اساس همان گونه که ائمه معصومین (عج) از جانب خداوند یا پیامبر اکرم (ص) منصوب هستند و همان گونه که پیامبر اکرم (ص) از جانب خداوند منصوب است، فقها نیز به نصب عام، به صورت بالفعل به ولایت منصوب هستند؛ زیرا همه ولایت‌ها باید به خدا منتهی گردد.

مشارکت سیاسی

اندیشه سیاسی اسلام در دو حوزه مبانی و رفتار دارای ظرفیت در ایجاد مشارکت سیاسی در جامعه اسلامی است.

مبانی مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام

مبانی مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام عبارت است از: اصل تعاون، اصل حفظ نظام و اصل شورا. این مبانی در فقه سیاسی قابل پی‌گیری است.

۱-۱ اصل حفظ نظام

گاه منظور از حفظ نظام، حفظ آراستگی درونی جامعه و نهادهای آن از هرج و مرج است و نقطه ثقل آن، سامان‌دهی نظام معیشت جامعه است.^(۷) معنای دیگری که فقیهان برای اصطلاح «حفظ نظام» بیان کرده‌اند، پاسداری از کیان کشور اسلامی در برابر هجوم دشمنان است.^(۸) معنای سومی که گاهی فقها از اصطلاح «حفظ نظام» بیان کرده‌اند، حفظ

حکومت موجود است و معنای اخیر با مشروعیت حکومت و حاکم از دید فقها مقرون است؛ زیرا تا فقیهی به حکومت و حاکم موجود مشروعیت ندهد، به دنبال حفظ آن نیست. (شریعتی، ۱۳۸۷)^(۹) حفظ نظام در هر سه معنا مستلزم مشارکت سیاسی مردم است. خصوصاً در معنای سوم که با مشروعیت حکومت پیوند دارد. زیرا مشارکت سیاسی مردم، باعث ایجاد مقبولیت و ضامن بقای نظام اسلامی است. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۳۶۷)

۲-۱ اصل تعاون

یکی از اصولی که در اندیشه اسلامی بر ضرورتش تأکید شده، اصل تعاون است. آیات زیادی در این زمینه وجود دارد. از جمله:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید... و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید. (مائده: آیه ۲)

۳-۱ اصل شورا

اصل شورا از مبانی مشارکت سیاسی است؛ چون فلسفه شورا، شریک شدن با عقل مردم است.

«هنگامی که امرای شما بهترین‌تان، و ثروت‌مندان شما بخشندگان‌تان، و امورتان به مشورت بین شما باشد، روی زمین (زندگی) برای شما از درون آن (مردن) بهتر است.» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۶)^(۱۰)

علامه جعفری بین شورا و مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام، این گونه ارتباط برقرار می‌کند:

«انتخابات، شئون حیات و کیفیت آن‌ها در زمینه همه موضوعات زندگی مادام که به نهی صریح برخورد نکند، در اختیار مردم است و چون اسلام این اختیار انتخاب را پذیرفته و شورا و جماعت - یدالله مع‌الجماعه - را اصل قرار داده است؛ بنابراین، حکومت مردم بر مردم را در یک معنای عالی پذیرفته است.» (محمدتقی جعفری، ۱۳۷۷: ۳۱۴)

۲- مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام در حوزه رفتار

شاخص‌های مشارکت سیاسی در حوزه رفتار عبارت است از: حق انتخاب، حق انتقاد و

نظارت.

۲-۱ حق انتخاب

انتخاب ابزاری است برای مهار کردن قدرت و دخالت شهروندان در اعمال اقتدار سیاسی. با توجه به مشروعیت الهی در اندیشه سیاسی اسلام و مبنای نصب که در این نظریه وجود دارد، مردم فقط ولایت فقیه را مورد پذیرش قرار می‌دهند و از آن اطاعت می‌کنند. لذا حقانیت و شرعیت از طرف خداست. اما مقبولیت از طرف مردم است. یکی از راهکارهای حق انتخاب مردم در اندیشه اسلامی بیعت است. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه بارها تأکید کرده‌اند که دلیل پذیرش حکومت از سوی ایشان هجوم مردم و بیعت آنان با ایشان بوده است: «به خدا که مرا به خلافت رغبتی نبود و به حکومت حاجتی نه، لیکن شما مرا بدان وا داشتید و آن وظیفه را به عهده‌ام گذاشتید». (نهج البلاغه: خطبه ۲۰۵)

۲-۲ حق انتقاد

نصیحت و انتقاد خیرخواهانه افراد جامعه اسلامی نسبت به زمامداران، یکی از شاخصه‌های بارز مشارکت سیاسی و دخالت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان است. نصیحت، وظیفه‌ای است که بر عهده تمام مردم است. در متون دینی تأکید زیادی بر نصیحت شده است؛ به گونه‌ای که در کتب حدیثی، بابی اختصاصی تحت عنوان «النصیحه لائمة المسلمین» وجود دارد که از آن به‌عنوان حق حاکم بر شهروندان نیز یاد شده است. حضرت علی (ع) چند نمونه از مهم‌ترین حقوق مردم و زمامداران را نسبت به همدیگر بیان نموده که از جمله آن‌ها ارشاد و نصیحت است. (نهج البلاغه: خطبه ۲۰۷)

مؤلفه نصیحت در جامعه اسلامی، می‌تواند رفتار سیاسی را از هرگونه آلاینده‌های سیاسی، همچون حسادت عقده و... پیراسته گرداند. چنین رفتاری موجب حرکت رو به جلو در جامعه اسلامی می‌شود. در نظر گرفتن خیرخواهی و نصیحت، در اعتراض‌های سیاسی و رفتار دولت‌مردان سبب می‌شود که در این میان، خیر عمومی جامعه اسلامی نصب‌العین قرار گیرد و از هرگونه رفتار، که به این اصل مهم ضرر رساند، جلوگیری به عمل آید. به این ترتیب، در جامعه اسلامی، که رفتار خود را براساس خیرخواهی تنظیم می‌نماید، مطبوعات، اظهارنظرهای سیاسی، مناظرات و سایر کارکردهای سیاسی آن، به گونه‌ای فزاینده، متمایز از جوامع دیگر خواهد بود. (خلوصی، ۱۳۹۱: ۶۰)

۲-۳ پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی از دیگر مؤلفه‌های مهم مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام است. و به این معناست که کارگزاران در مقابل رفتار سیاسی‌شان، باید پاسخ‌گو باشند. در سخنان امام خمینی تأکید شده است که همه مسئولین در برابر کارهایی که انجام می‌دهند، پاسخ‌گو

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره نهم
- تابستان ۹۴

ظرفیت‌های اندیشه
سیاسی اسلام در
تولید قدرت نرم
(۴۱-۶۴)

هستند و مردم حتی بر ولیّ فقیه می‌توانند نظارت کنند: «همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور، اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۵)

۳- پرهیز از توسل به زور

فقها در کتب معتبر اسلامی در فصول متعددی (عمدتاً جهاد و امر به معروف و نهی از منکر) مواردی در ارتباط با توسل به زور ذکر کرده‌اند:

حمله نظامی ابتدایی دولت اسلامی به سرزمین دولت دیگر برای تسلط بر آن کشور یا اشغال بخشی از خاک آن، حرام است. (نظر اکثر غالب)

در صورت وقوع حمله مسلحانه مستقیم یک دولت مسلمان یا غیر مسلمان به دولت اسلامی، یا نفوذ تدریجی نیروهای نظامی آنان به درون خاک سرزمین دولت اسلامی، و یا حمایت آنان از نیروهای چریکی در خاک خود علیه دولت اسلامی، دولت اسلامی مورد تجاوز با رعایت اصل تناسب در کاربرد نیروی مسلح علیه متجاوز می‌تواند (و بر وی لازم است) برای دفع تجاوز از نیروی مسلح استفاده کند. و چنانچه شرایط جهانی اقتضای ضروری کند، دفاع به محض دخالت شورای امنیت باید قطع گردد. (اجماعی)

هنگامی که دولت اسلامی اطمینان پیدا کرد که کشوری دیگر اعم از مسلمان و غیر مسلمان، به زودی به او حمله نظامی خواهد کرد، چنانچه توسل به زور برای دفاع از خود و جلوگیری از حمله ضرورت داشته باشد، و راه دیگری برای جلوگیری از خطر وجود نداشته باشد و خطر فوری بوده است؛ به طوری که فرصتی برای تأمل نباشد، و عمل توسل به زور در مقام دفاع، معقول و متناسب با خطر قریب الوقوع باشد، در اینجا دولت اسلامی مجاز است به مقدار و تا زمانی که از انصراف دشمن اطمینان حاصل نماید، از نیروی مسلح استفاده نماید. (اجماعی) (حیدری، ۱۳۷۶: ۱۹۰-۱۸۸)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله در پی پاسخ به این سؤال بود که آیا اندیشه اسلام برای تولید قدرت نرم، ظرفیت راهبردی لازم را داراست یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، مؤلفه‌هایی برای قدرت نرم بیان شد که عبارتند از: اعتماد، شبکه ارتباطی، و اعتبار.

این مقاله بر آن است که اندیشه اسلام دارای ظرفیت‌های متعددی برای تولید قدرت در همه این مؤلفه‌هاست. اعتماد، مهم‌ترین مؤلفه قدرت نرم محسوب می‌گردد. اعتماد موجب می‌شود روابط میان افراد به اندازه کافی عمیق باشد تا سرمایه اجتماعی مطلوب تولید گردد. و از آنجا که سرمایه اجتماعی، عاملی مهم در تولید قدرت نرم به شمار می‌رود، اعتماد

اجتماعی و قدرت نرم را نیز نمی‌توان از هم جدا کرد. اندیشه سیاسی اسلام از دو رویکرد اخلاق سیاسی و فقه سیاسی دارای ظرفیت‌هایی برای تولید اعتماد است. در رویکرد اخلاق سیاسی به اعتماد، «تقوی» یکی از ابزارهای بسیار قوی برای ایجاد کنترل درونی در انسان است. در رویکرد فقه سیاسی، تعدادی قواعد فقهی وجود دارند که موجب افزایش اعتماد سیاسی می‌شوند. قواعدی مانند: مساوات، احسان، تألیف قلوب، تعاون، وفای به عقود، عدالت، شورا و غیره.

مؤلفه‌های ارتباطی قدرت نرم عبارتند از؛ عوامل دوستی‌زا و اتحاد و یکپارچگی امت اسلامی. در فقه شیعه، حقوق برادران ایمانی؛ مانند خیرخواهی، عیادت از مریض، قرض‌الحسنه، امر به معروف و نهی از منکر، یاری ستم‌دیدگان، احترام و... لازم الاجرا هستند. در اسلام، همه امت اسلامی، یکپارچه معرفی می‌شوند و از هر ملیت و زبانی، با یکدیگر برادر محسوب می‌گردند. بنابراین، شبکه اجتماعی گسترده و درهم تنیده‌ای از مسلمانان سراسر جهان به وجود می‌آید. مسلمانان در هر کجای جهان که باشند، نسبت به یکدیگر مسئول به حساب می‌آیند و موظفند که با یکدیگر رابطه داشته باشند. در قرآن، از مسلمانان با واژه امت یاد شده است که یکپارچگی آن‌ها را می‌رساند. دو پدیده حج و نماز جماعت که در فقه شیعه بر آن تأکید شده، در راستای تفکر یکپارچگی امت اسلامی است. مؤلفه‌های ایجاد اعتبار نیز شامل مشروعیت سیاسی، مشارکت، پرهیز از توسل به زور و موارد دیگر بود که در این مقاله، فقط به این سه مورد اشاره شد. مشروعیت سیاسی نظام سیاسی شیعه در امامت است و در عصر غیبت در ولایت فقیه. و رابطه مردم و امام، یک رابطه قلبی است؛ نه رابطه‌ای بر اساس زور و اجبار. اطاعت مردم از ولی بر اساس خواست خداست و همین مسئله به نظام سیاسی مشروعیت می‌دهد. در این نظام، قواعد مساوات و برابری (عدل)، میحث النصیحه للإئمه المسلمین، نظارت بر حکومت اسلامی، شورا، امر به معروف، تعاون، بیعت، و رضایت عمومی منجر به مشارکت مردم در سطح بالایی می‌شود. در بحث منع توسل به زور نیز اسلام اجازه توسل به زور در غیر از مورد دفاع از خود را نمی‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکرٍ وَاثی وَ جَعَلناکم شعوباً وَ قبائلَ لِتَعَارَفُوا إِنْ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاکُمْ إِنْ اللَّهُ عَلِیمٌ حَبِیرٌ.
۲. علامه محمدحسین، المیزان.
۳. ساعة امام عادل افضل من عبادة سبعین سنة.

۴. لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.
۵. دو امر ضروری دین؛ تولی و تبری از فروع دین و واجبات الهی است و مانند دیگر تکالیف، به افعال مکلف تعلق دارد، پس واجب است که در اعمال مسلمان مکلف باشد و تقلید در آن‌ها جایز نیست، بلکه بر هر مسلمان مکلفی واجب است که از روی ادله قطعیه عقلیه و تقلیه شرعیه به این دو امر ضروری دین معتقد باشد و نزد او ثابت گردد. (جواد بن عباس الکرلایی، رساله تولی و تبری، قم، انتشارات فقه، ۱۳۷۹: ۱۷) و همچنین آیات زیر: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ «وَ خَدَاوَنَدِ الْكَافِرَانَ رَا بَرِ مُؤْمِنَانَ سَلْطَهٗ نَدَاةً اَسْت»؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید کافران را بدون مؤمنان، دوست و سرپرست قرار ندهید» و در حدیثی از رسول الله (ص): «الاسلام يعلو و لا يُعلَى عَلَيْهِ و الكفار بمنزلة الموثى لا يخبون و لا يورتون»؛ «اسلام برتر است و بر آن چیزی برتری نخواهد یافت و کافران به منزله مردگان می‌باشند و مانع از ارث نمی‌باشند و ارث نیز نمی‌برند».
۶. بورديو خانواده را به عنوان مهم‌ترین مکان انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی می‌بیند. (بورديو، ۱۹۹۹: ۳۳) فوکویاما نیز ادعا نموده که خانواده‌ها به طور آشکاری در همه جا منابع مهم سرمایه اجتماعی هستند. (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۱۷)
۷. چنان که مرحوم آخوند خراسانی می‌گوید: «احتیاط کامل اگر موجب عسر و حرج و اختلال نظام گردد. واجب نیست.» (خراسانی، ۱۴۰۹: ص ۳۵۸)
۸. صاحب جواهر می‌گوید: «هر گاه کفار به دنبال محو و نابودی اسلام و از بین بردن شعائر آن و محو یاد پیامبر و دین او باشند، جهاد در این هنگام واجب است؛ حتی در کنار حاکم جائز؛ البته با هدف دفع کفار از هدف‌شان، نه کمک به سلطان جائز.» (نجفی، ۱۳۹۲ق: ج ۲۱، ص ۴۷)
۹. امام خمینی درباره لزوم حفظ نظام جمهوری اسلامی می‌گوید: «همه کسانی که در این کشور به خدمت مشغول هستند، این‌ها باید توجه داشته باشند که آبروی اسلام که مظهر بزرگش الان جمهوری اسلامی است... را باید حفظ کنند.» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۲، ص ۴۱۴)
۱۰. پیامبر (ص) فرمودند: اذا كانت امرؤکم خیارکم و اغنیاءکم سمحاءکم و امورکم شوری بینکم فظهر الارض خیر لکم من بطنها....

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شهر آشوب (۱۴۱۲)، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، بیروت، دارالاضواء، ج دوم.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، دو چهره قدرت نرم، قدرت نرم معنا و مفهوم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۴. بشیری، حسین (۱۳۷۶)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران، نشر نی.

۵. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب، ج اول.
۶. تاجبخش، کیان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیرازه.
۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵)، حقوق جهانی بشر، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۸. _____ (۱۳۷۷)، حاکمیت خداوندی (مجموعه مقالات دهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی) تهران، مجمع جهانی اهل بیت(ع).
۹. حرانی، ابن‌شعبه (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ج دوم.
۱۰. حیدری، حمید (۱۳۷۶)، توسل به زور در روابط بین‌الملل از دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی و فقه شیعه، تهران، اطلاعات، چاپ اول.
۱۱. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ج ششم.
۱۲. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷)، قواعد فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶)، تفسیر المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، رجا، امیرکبیر، ج ۴.
۱۴. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
۱۵. عاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۹)، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه‌الاسلامه، ج پنجم.
۱۶. غفاری، غلام‌رضا، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی سازمان‌یافته به عنوان مکانیسمی برای توسعه در ایران، پایان‌نامه دکتری دانشکده علوم اجتماعی.
۱۷. فروند، ژولین (۱۳۶۲)، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نیکان.
۱۸. فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، قم، دفتر نشر معارف.
۱۹. قمی، عباس (۱۳۷۴)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۰. کارل مارکس و فریدریش انگلس (۱۳۵۹)، مانیفست حزب کمونیست، ترجمه محمد پورهرمز، انتشارات حزب توده ایران.
۲۱. کافی، ثقه‌الاسلام کلینی (۱۳۶۸)، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج چهارم.
۲۲. ماکس وبر (۱۳۶۷)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، نشر مرکز، ج اول.
۲۳. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۴. _____ (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی(ره)، (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۵. نصرتی، علی‌اصغر (۱۳۹۰)، نظام سیاسی اسلام، قم، هاجر، ج هشتم.
۲۶. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، «گفتگو: قدرت نرم و انقلاب اسلامی»، فصل‌نامه بسیج، شماره ۳۲.
۲۷. خلوصی، محمد حسین (۱۳۹۱)، شاخص مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، معرفت‌شناسی، شماره ۸، پاییز و زمستان.
۲۸. قادری، سیدعلی (۱۳۷۵)، «امام خمینی(ره) در پنج حوزه معرفت سیاسی»، حضور، ش ۱۸، زمستان.

سیاست متعالیه

- سال سوم
 - شماره نهم
 - تابستان ۹۴
- ظرفیت‌های اندیشه
سیاسی اسلام در
تولید قدرت نرم
(۶۴-۴۱)

۲۹. نای، جوزف (۱۳۸۳)، «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه سیدرضا میرطاهری، فصلنامه راهبردی دفاعی، شماره ۶.
30. josephs s.nye (2004), soft power, book review, futurecaste online magazine, vol.6, no 9. at:www.futurecasts.com.

فصلنامه
علمی
پژوهشی

مستقبل